



فرزند بودن

اسماعیل

پیدایش ۲۱: ۱-۲۰

این داستان غم انگیز اسماعیل است. این جوان زندگی بسیار سختی داشت. خداوند به ابراهیم وعده پسری داده بود که از همسرش سارا به دنیا خواهد آمد. متأسفانه سارا باردار نشد. پس سارا ابراهیم را تشویق کرد که از هاجر، غلام مصری خود، فرزندی را به دنیا آورد. ابراهیم این کار را کرد و اسماعیل به دنیا آمد. معنی نام او "خدا می شنود" است. تقریباً ۱۳ سال بعد، سارا به گونه ای معجزه آسای باردار می شود و فرزندی به نام اسحاق به دنیا می آورد. مشاجرات درون خانواده اوج می گیرد. حالا که سارا خودش بچه دارد، دیگر نمی خواهد اسماعیل وارث ابراهیم باشد. سرانجام ابراهیم تصمیم می گیرد هاجر و اسماعیل را از خانه براند.

در این روز یک اتفاق وحشتناکی رخ می دهد. اسماعیل که پسر ابراهیم ثروتمند و سرشناس بود، اما حالا ابراهیم تصمیم گرفته بود پسرش را به صحرا بفرستد. حالا او پسر یک کنیز است. با این کار ارث او از نزدش گرفته می شود. اسماعیل دیگر نمی توانست روی ابراهیم و شخصیت شناخته شده ای که او داشت، حساب کند. او دیگر اسماعیل، پسر... نبود. حالا او پسر یک کنیز بود که به جای اینکه چه کسی بود، با چه کرد شناخته می شد. پسری بدون خانه، بدون ارث و بدون پدر.

پسران و دختران برده

این داستان خیلی شبیه داستان ماست. گناه در زندگی ما نیز نقش دارد. گناه باعث تفرقه و جدایی بین ما و خدا می شود.

نویسنده درینجا در مورد ما چه می گوید؟

افسیان ۲: ۱-۳

گناه ما را می بلعد. این بدان معناست که ما آزاد نیستیم بلکه مانند برده هستیم. ما کارهایی را انجام می دهیم که ما را هدایت می کند. چیزی ما را در قدرت نگه داشته است. هیچ غلامی مستحق ارث نمی باشد و ما هم که اسیر گناه هستیم هیچ ارثی نداریم. به همین دلیل است که می خوانیم ما برای خدا مرده ایم.

زنده شدن

ما در مسیح زنده شده ایم. چگونه میتواند چنین باشد؟ چگونه میتواند چنین نباشد؟

افسیان ۲: ۴-۹

«زوئه» یک کلمه یونانی است که به معنای زندگی می باشد. این زندگی خداوندی با آمدن عیسی وارد ما می شود. زوئه از طریق دانش به دست نمی آید، بلکه از طریق وحی یا مکاشفه بدست می آید.

میتوانید آن را با دانه درخت سیب مقایسه کنید. وقتی این دانه را در زمین می کارید، می دانید که قرار است چه چیزی به دست آورید: یک درخت سیب و نه درخت کیله. زندگی خدا وقتی وارد ما می شود، نیز چنین است: زندگی خدا را در ما شکل می دهد تا شبیه او شویم.

چه چیزی در ما باقی مانده است؟

اول یوحنا ۳: ۹

ما شبیه کی می شویم؟

رومیان ۸: ۲۹

آیا به یاد دارید که در مورد مریم که با کلام خدا و قدرت روح القدس باردار شد، چه یاد گرفتید؟ این یک معجزه بود. چیزی از خدا وارد او شد. پس پسر خدا در رحم او آباستن شد. همان زندگی (زونه) وارد ما می شود. از طریق این زندگی ما شروع به شبیه شدن به خدا می کنیم.

رومیان ۸: ۱-۶

در این متن می بینیم که وقتی روح زندگی را دریافت می کنیم چه اتفاق می افتد. ما دیگر تحت شریعتی که ما را محکوم می کند نیستیم، بلکه تحت فیض هستیم. ما دیگر توسط آنچه خودمان می خواهیم، هدایت و رهنمایی نمی شویم، بلکه به خود اجازه می دهیم که توسط روح هدایت شویم.

همان داستان دو موتر در درس قبلی است. شما نمی توانید از ترکیبی دو نوع تیل یا مواد سوختی استفاده کنید. اگر با روح خدا زندگی کنیم، مزیت دیگری نیز وجود دارد. این دقیقاً مانند یک «سیستم جهت یاب» است. مقصد نهایی قبلاً توسط خداوند برنامه ریزی شده است. ما شروع به شبیه شدن به عیسی می کنیم و زندگی ابدی دریافت می کنیم و برای همیشه با خدا می مانیم. همانطور که ما شروع به رانندگی می کنیم، سیستم جهت یاب مسیرهای درست را برای ما ارائه می دهد. اگر مسیر اشتباهی را انتخاب کنیم، هشدار خودکار دریافت می کنیم که باید مسیر دیگری را طی کنیم یا حتی به عقب برگردیم. لحظه ای که روح القدس صحبت می کند، لحظه ای است که ما باید انتخاب کنیم. آیا به صدای او گوش می دهیم یا نه؟

با شریعت زندگی کردن تفاوتش در این است که ما فرمان را در دست خود داریم و سعی می کنیم همه چیز را با قدرت خود انجام دهیم. اگر همه چیز اشتباه پیش برود، ناامیدی، بی قراری و مشاجره به وجود می آید.

به داستان اسماعیل فکر کنید، او یک برده بود. اینگونه است که ما به عنوان یک برده از مسیر زندگی عبور می کنیم. اگر ما بر اساس روح زندگی کنیم، روح به طور مداوم ما را هدایت خواهد کرد، حتی زمانی که بعضی اوقات همه چیز اشتباه می شود. هیچ محکومیتی نیست جز یک درخواست دوستانه برای برگشتن و رفتن به راه درست. نیروی محرکه در زندگی بر اساس شریعت، نیروی اراده است، اما نیروی محرکه در زندگی ای با روح خدا، فیض است.

پسران و دختران خدا

در اینجا ما چه نامیده شده ایم؟ ما خدا را به کمک روح چه صدا می کنیم؟

رومیان ۸: ۱۴-۱۶

عیسی نه تنها به عنوان یک پیامبر بلکه به عنوان پسر خدا به زمین آمد. او آمد تا خدا را به عنوان پدر معرفی کند. این همیشه نقشه خدا بوده است. او می خواست به عنوان پدر شناخته شود. چون بشر این را نمی دانست، پس آنرا نپذیرفت. همیشه ترس از خدا و دوری از او وجود داشته است. بسیاری از ترس مجازات یا از روی نادانی خود را از خدا پنهان می کنند، همانطور که آدم و حوا در بهشت این کار را کردند. عیسی آمد تا به ما نشان دهد که می توانیم فرزندان خدا شویم.

یوحنا ۱: ۱۲-۱۳

در اینجا می بینیم که اراده خدا این است که ما به عنوان فرزندان او متولد شویم.

غلاطیان ۴: ۴-۷، افسسیان ۱: ۵

اسماعیل رانده شد و برده شد، اما ما به عنوان پسران و وارثان به خانه فرا خوانده شده ایم. ما دیگر نیاز نداریم که برده شریعت باشیم، ما می توانیم وارثان او باشیم.

ما خواندیم که می توانیم فرزندان خدا شویم. اگر هنوز این کار را نکرده اید می توانید همین امروز این انتخاب را انجام دهید. همانطور که فکر می کنید خدا می خواهد پدر شما باشد، دعایی را که از قلب تان برمی خیزد، بکنید. به او بگویید که می خواهید به خانه بازگردید و می خواهید این ایمان را بپذیرید که از طریق عیسی می توانید فرزند او باشید.

زمانی که بدون عیسی زندگی می کردید، شاید چیزهایی وجود داشت که شما برده آنها بودید. این موارد را بنویسید و از روح القدس بپرسید که آیا در جایی اشتباه کرده اید. بدانید که خداوند شما را محکوم نمی کند بلکه فقط شما را از بردگی آزاد می سازد. او از شما عصبانی نیست، اما او فقط خوشحال است که می خواهید پیشنهاد او را بپذیرید.

از مربی خود بپرسید که تجربه آنها از زندگی به عنوان فرزند خدا چیست.

اصل بیست و یکم

در عیسی ما پسران و دختران خدا شده ایم. ما دیگر برده شریعت نیستیم، بلکه با هدایت روح القدس زندگی میکنیم.

